

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

خطی اهدائی

۹۶

۴۵۶۴



کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب رساله مخقر در شرح خدمات عباس میرزا و شورشها

شماره ثبت کتاب

مؤلف

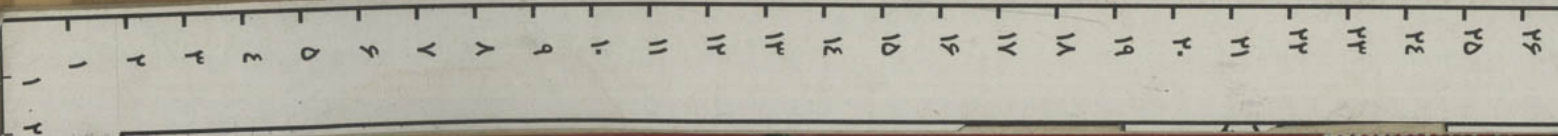
موضوع

۴۴۴۵۶

۵۲۲۰

شماره اختصاصی ( ۹۲ ) از کتب ( خطی ) اهدایی

تیمسار سر لشکر مجید فیروز ( ناصر انزلی ) بکتابخانه مجلس شورای ملی



۲۰  
۱۹  
۱۸  
۱۷  
۱۶  
۱۵  
۱۴  
۱۳  
۱۲  
۱۱  
۱۰  
۹  
۸  
۷  
۶  
۵  
۴  
۳  
۲  
۱

۴۵۲۴

<b>کتابخانه مجلس شورای ملی</b>		
کتاب رساله مختصر در شرح خدمات عین البرزواش در سپهسالار		
مؤلف	شماره ثبت کتاب	
موضوع	۴۴۴۵۶	
شماره اختصاص ( ۹۲ ) از کتب ( خطی ) اهدائی	۵۲۲۰	
تیمسار سر لشکر مجید نیروزی ( ناصر التوله ) کتابخانه مجلس شورای ملی		

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	خطی اهدائی
۹۲	

۲۵۶۴



کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب رساله مختصر در شرح خدمات عباس میرزا و شورشها

شماره ثبت کتاب

موضوع

شماره اختصاصی ( ۹۲ ) از کتب ( خطی ) اهدایی

تیمار سر لشکر مجید پوروز ( ناصر الموله ) بکتابخانه مجلس شورای ملی

۴۴۵۶

۵۲۲۰

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

خطی اهدائی

۹۲

صفحہ نمبر ۱۰۵  
۲۰۲

۹۲  
۰۲  
-----  
۴۴۴۵۹

کتابخانه مجید نپروز  
احمدانی  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی



بستان ارضی

محمد بن علی نوالی و الصوفی علی محمد و آل چون سفرای ولت بکریک  
 بعد از وفات خاقان خند آستان بنابر ویشیای مرحوم حاجی میرزا آقاخان کیکاوی  
 او از حفظ دولت و دین تغییر اسلوب او که کالیف شاه در امور و اندوختن  
 فوق العاده نمودند تا وقت سفارت مستوره وزیر مختار رسید و مسیح  
 کوشش آقا و فتنه دولت و دولت پذیران کشتن باطنی خاطر اهل ممالک آذربایجان  
 بودانی و دی و با زاریست آرزو شد و برود تمام بختها کشید هر یک از این  
 ملت و دولت بچشم آمد و حرکات نامحاراف را سفار از بر چرخ طراد  
 لازم شد که شری موجب آزادی بکارند فایده ای که از اقصای جبهه زنده بود  
 شایسته دهر و رنجاشت زحمات و لیبعد بهر و خطاب شاه را متعرض  
 کردند و گذشت و گذاشت بر این بنده محمد جعفر الی که خدمت ملت غریب  
 دولت او را شتار و لار شد که شرح مسافرت و جهت کت و بسمه  
 از آذربایجان ممالک شری که خود محرم خدام آن حضرت بود و آنچه دیده و شنیده  
 است شایسته نام آنجا که قرار روی زمین است که ستم کام محار بستان  
 قشویان هر مملکت است تا آرزوی بستان از کرده خاصه سرحد شایان

آسرو نب و غارت میگذازند و روزی نیست می شانه و از وفات خاقان  
 خند شده در ایام کرفاری دولت علما بران مجاول و محارمه دولت بسید رویک  
 سرحد شایان بوجت سان افغانان آن است قدیمی در از کرده پستان می آفتاب  
 و نسب و اسیرها گذاشت امنیت از طریق مشاوران برداشت از طرف سید  
 و طبع این مرض مسری در اراغیا و یزد رسید عبدالرزاق خان که برود و دولت  
 دولت و و کارش بطیان کشید و از طریق او افغان خدیرات بر خراسان ضابطی  
 و محمد خان و دیگر خواجه که سر کت صاحب قلعه بود که کارش این بسیار جسد مویک  
 خاقانی بر تافت حکم احضار بولید بنفخه خطاب شاه داد که با قشون آذربایجان  
 حاضر شود و پیشد اینا را که کربند و مالشی کامل بود که دیگر هیچ آفریده از زابل  
 کامل چشمن بود و خیال طغیان بنده و فرود عیسایان نورزد با افغان قاهره  
 آذربایجان بجزم زنده کرمان و کج و کرمان کت فرمود پس از نظر بزرگ کرمان  
 از بوی بستان تو جانات خند او ایلی و ولت بکلیس خرفت آمده از راه فارسین  
 اصفهان بویک خاقانی رسید و ثانی نظر خراسان افغانان مامور شد و بجز  
 ثابت بخراسان نیست فرمود قتل یا غی را گوشت و اشخاص طغانی را گرفت چنان  
 در خون تواریخ قاجاریت است بزند و در دولت و بخت ملازمت  
 و سینه و ما و دولت پس از نظرم ولایات متصرفی و سنده ترکمان سالور و ساروق  
 و سرخسین سفید خاص اسرای پس تبه افغان خدیرات را که موجب این همه فساد است  
 عقیده بود بجزم فرمود و مرکز تفری بود که بعد از آن خراف از بستان بویکستان که  
 بویک موجب و من بزرگ بستان می شد و یکرا و ایلیای دولت بکلیس تصور چرخه

از دولتی و معاهد باطنی که نوزاد حاکم سراسر است اجرم نمود و با همب خان از وجیت نصرت  
 آمد و شاهزاده کامران را از شفاعت کرد که حسب فرمان از خاقان حاکم است و افزون  
 خانه کی محترم چون بوی صدق آمار صلح نشینند شفاعتشان را پذیرفتند و تقسیم  
 چون یکم و ولایت خراسان تقسیم فرمود صاحب منصبان افواج قاسم و لیسند  
 که سالها از دولت انگلیس مهاجرت جمعی و موجب خوار و اجسیر بودند بنی  
 اولیای دولت خوار نوگرایی ایران سپه باز زده برای کردند و پشت کرد و روانه  
 مخارج سفر چهار ساله را که تحت آن شهرات و نظیر کلی مالک شریقی بود و  
 خسران شده و از قضایای اتفاق در استقامت عظمی بود و خوار دولت  
 صرف آذوقه شد بشرحی که در دو فترت با پیمان و خراسان تحت و ضبط شد و  
 زیاده از دست کرد و مخارج سفر و لیسند حساب آمد و لیسند مضبوط طلب نامه  
 ازین احوال بخشی کامل حاصل شد و رای شریفترین مرتبه دریافت که ایلیها دو  
 بزرگ فخرتند و شرح به عهدی این احوال من و خسران واضح را بدول روسی  
 فاصه دولت علیه عثمانیه و دولت قوی فرانسه نویسنده و انصافی بنویسند  
 و مختاری از دول مذکور به نهارت سازند که در تبریز با حضور ایلیهای مشار  
 دولتیین بیستین و سه انگلیس اظهار شود و کار مقام مرحوم خسران سفر ملک  
 شرقی را بر این منتهی ثابت کرده دریافت کند که اصل محتمل مجال داده و  
 شد بر خیال جامع تقاضای عهدی شاهنشاه و سرور و صرشد و ایلیهای دولتیین را  
 از دار آتش فیه تبریز که اجلاس نماید و احوال واضح از این ترالیح شاه

کثیر و فات نامان غلبه ایشان شایع گشت بحال کت و شینه نماند تا آنکه دولت  
 سلطنت شاهنشاه بهرور رسید که آن هم خسران کشید  
 و قلم در این کار رسید حقیقت دولت بسیار  
 میرسد که این شعر را بدو لیسند  
 انگلیس نویب

عقاولی که تو کردی بدوستی با من میانین دشمن خود خوار خویش پسندم  
 اللهم صلح علی فاعلم من امور لیسند  
 کت المذنب صدر الدین محمد علی

کتابخانه مجید فیروز  
 اهدائی  
 بکتابخانه مجلس شورای اسلامی



